

Deviation and Foregrounding in the ‘Verses of Supplication’ Based on Geoffrey Leech’s Theory

Ramzan Rezaei¹  ; Zahra Nasri² 

1. Associate Professor, Arabic Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. (corresponding author) Email: R.Rezaei@ihcs.ac.ir
2. PhD in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Arak University, Iran. Email: Zahra.nahvi2014@gmail.com

Research Article



Abstract

Foregrounding is one of the fundamental terms in formalist approaches. This concept manifests in texts through two methods: deviation and over-regularization. Deviation refers to the departure from the standard language to create a literary language, prompting the reader to think and enhancing their aesthetic enjoyment of the text. Geoffrey Leech, an English linguist, categorizes deviation into eight types: phonological, syntactic, lexical, semantic, dialectal, register, historical, and stylistic. Over-regularization, on the other hand, refers to the addition of rules to the standard language, leading to a heightened literary and linguistic structure. The Qur’an, as an exemplary text, receives attention from this perspective as well. The ‘Verses of Supplication’ (Āyāt ad-Du‘ā’) prominently exhibit foregrounding techniques. This study aims to analyze foregrounding in the ‘Verses of Supplication’ through a descriptive-analytical approach. The research findings indicate that phonological, syntactic, and semantic deviations are employed in these verses. Phonological deviations involve fusion and elision, which contribute to the defamiliarization and phonetic balance of the divine speech. Syntactic deviation appears in the form of positional inversion. Semantic deviation is expressed through the use of metaphors. Additionally, over-regularization manifests as repetition in these verses. There is complete harmony and coherence between meaning and expression in the ‘Verses of Supplication’, playing a significant role in conveying the underlying themes and messages. Foregrounding in these verses results in a departure from the norm, but rather than disrupting their meaning, it enhances their beauty.

Keywords: ‘Verses of Supplication’, Foregrounding, Over-regularization, Deviation

Received: 2024-01-27 | Received in revised form: 2024-02-18 | Accepted: 2024-07-02 | Published online: 2024-10-22

◆ How to cite: Rezaei, R., nasri, Z. (2024). Deviation and Foregrounding in the ‘Verses of Supplication’ Based on Geoffrey Leech’s Theory. *Stylistics Studies of the Holy Quran*, 8(2), 160-181. doi: 10.22034/sshq.2024.437195.1431

©The Author(s). Article type: Research Article Published by: Department of Qur’anic Exegesis and Sciences



هنجارگریزی و برجسته‌سازی در آیات دعا، براساس نظریه جفری لیچ

رمضان رضائی^۱، زهرا نصری^۲

۱. دانشیار زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل).

پست الکترونیک: R.Rezaei@ihcs.ac.ir

۲. دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه اراک، ایران. پست الکترونیک: Zahra.nahvi2014@gmail.com

چکیده

برجسته‌سازی یکی از اصطلاحات بنیادین در دیدگاه صورت‌گرایان به‌شمار می‌آید. این رویکرد به دو گونه هنجارگریزی و قاعده‌افزایی در متون، تجلی می‌یابد. هنجارگریزی به معنای خروج از زبان معیار با هدف آفرینش زبان ادبی است. این روش مخاطب را به تفکر واداشته و بر لذت ادبی او از متن می‌افزاید. لیچ، زبان‌شناس انگلیسی، هنجارگریزی را به هشت نوع آوایی، نحوی، واژگانی، معنایی، گویشی، سبکی نوشتاری و زمانی تقسیم می‌کند.

قاعده‌افزایی بیانگر آن است که قواعدی به زبان معیار افزوده می‌شود که منجر به برجستگی در ساختار ادبی و زبانی می‌شود. قرآن کریم نیز از این لحاظ، به مثابه یک متن شاخص مورد توجه است. آیات دعا از آیاتی به‌شمار می‌آیند که برجسته‌سازی به شکل فراوانی در آن‌ها نمود یافته است. این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی-تحلیلی برجسته‌سازی را در آیات دعا واکاوی نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در این آیات، هنجارگریزی آوایی، نحوی و معنایی به کار رفته است. مؤلفه‌های هنجارگریزی آوایی شامل ادغام و حذف در آیات دعا است. هنجارگریزی آوایی سبب آشنایی زدایی و توازن آوایی کلام الهی شده است. هنجارگریزی نحوی در قالب تقدیم و تأخیر به کار رفته است. هنجارگریزی معنایی با کاربری استعاره نمود پیدا کرده است. در این گونه از آیات قاعده‌افزایی به شکل تکرار تجلی یافته است. در آیات دعا میان معنا و لفظ هماهنگی و انسجام کاملی وجود دارد و این هماهنگی نقش بسزایی در دریافت مضامین و پیام‌های موجود در آیات دارد. برجسته‌سازی در این آیات سبب انحراف از اصل شده و این خروج نه تنها در معنای آیات خللی وارد نکرده، بلکه سبب زیبایی بیشتری آن‌ها شده است.

واژگان کلیدی: آیات دعا؛ برجسته‌سازی؛ قاعده‌افزایی؛ هنجارگریزی.

1) Geoffrey Neil Leech.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵

◆ استناد به این مقاله: رضائی، رمضان، نصری، زهرا. (۱۴۰۳). برجسته‌سازی در آیات دعا. *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*, ۸(۲), ۱۶۰-۱۸۱. doi: 10.22034/sshq.2024.437195.1431

© نویسندگان نوع مقاله: پژوهشی | ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



۱. مقدمه

پیدایش مکاتب ادبی، از جمله فرمالیسم در نیمه نخست قرن بیستم، زمینه را برای ایجاد تحولات در نقد ادبی فراهم کرد. فرمالیست‌ها در واکاوی آثار ادبی به شکل و صورت بسیار توجه می‌کردند و از منظر قواعد زیبایی‌آفرین و کارکردهای عناصر ادبی به تحلیل متون می‌پرداختند. این گروه فرایندهای زبانی با نام‌های «خودکاری» و «برجسته‌سازی» را از یکدیگر تفکیک نمودند. فرایند خودکاری زبان، یعنی به‌کارگیری عناصر زبان با هدف مطرح نمودن موضوع، بی‌آنکه روش بیان توجه مخاطب را به خود معطوف نماید. برجسته‌سازی به معنای کار بست عناصر زبان است؛ به طوری که زبان خودکار تبدیل به زبان ادبی شود و روش بیان توجه مخاطب را به خود جلب نماید. این رویکرد به دو روش در زبان ادبی نمایان می‌گردد: نخست قاعده‌گاهی (هنجارگریزی) که بیانگر انحراف از عناصر هنجار زبان است و موجب تمایز زبان شعر از زبان معیار می‌شود و دوم قاعده‌افزایی که در آن قواعدی بر قواعد زبان معیار افزوده می‌شود. (صفوی، ۱۳۹۰: ۱/ ۴۶-۵۰؛ محبتی، ۱۳۸۰: ۱۵۷). هر نوع هنجارگریزی سبب برجسته‌سازی کلام نمی‌گردد، بلکه آن نوع که زبان را برای مخاطب ناآشنا و غریب ساخته، او را به تفکر و تعمق واداشته و بر لذت بیشتر او از متن ادبی می‌افزاید، سبب آشنایی‌زدایی می‌شود. لیچ رویکرد هنجارگریزی را به ۸ نوع آوایی، نحوی، واژگانی، معنایی، گویشی، سبکی نوشتاری و زمانی تقسیم می‌کند. (لیچ، ۱۹۶۹: ۴۲)

بررسی ادبی و زبان‌شناختی متن از جمله مسائلی است که در میان پژوهش‌های نقدی از اهمیت فراوانی برخوردار است. برجسته‌سازی یکی از نظریه‌های ادبی معاصر است که به بررسی ادبی و زبانی یک متن می‌پردازد. واکاوی مقوله‌ها و مؤلفه‌های ادبی و زبانی در پرتو هنجارگریزی به ما در فهم جنبه‌های زیبایی‌شناسی آثار کمک می‌کند. از آن‌جا که برجسته‌سازی در آیات دعا کاربرد گسترده‌ای دارد، این پژوهش بر آن است تا روش توصیفی-تحلیلی و بانکیه بر الگوهای لیچ به واکاوی برجسته‌سازی در آیات دعا پرداخته تا ظرفیت‌های هنری و روش‌های مؤثری که در زمینه برجسته‌سازی آیات مذکور به کار گرفته در اختیار پژوهشگران قرار دهیم. به دلیل شمار فراوان این آیات به برخی از آن‌ها پرداخته خواهد شد.

این جستار بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. معیار هنجارگریزی چیست و آیا در آیات دعا هنجارگریزی وجود دارد؟
۲. چه عوامل و عناصری سبب برجسته‌سازی در آیات دعا شده است؟

۲. فرضیه‌ها

۱. می‌توان گفت معیار یعنی نظام زبانی که متکلم برای اینکه از بیانی فصیح و شیوا برخوردار باشد باید آن را رعایت کند. با تکیه بر نظام زبانی، میزان شیوایی و بلیغ بودن کلام هر شخصی معین می‌شود و اگر این معیار درهم شکسته شود، پدیده‌ی همچارگریزی شکل می‌گیرد. در آیات دعا همچارگریزی به‌وضوح مشاهده می‌شود.
۲. در آیات دعا همچارگریزی آوایی، نحوی و معنایی نمود یافته است و قاعده‌افزایی در قالب تکرار به کار رفته است.

۳. پیشینه پژوهش

درباره آیات دعا پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است که مجال پرداختن به همه آن‌ها در این جستار نمی‌گنجد؛ از این‌رو به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- علیرضا مجتهدزاده نویسنده «دراسة أسلوبیة للأدعية القرآنیة»، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۹، به این نتایج دست یافته که دعاهای به کار رفته در قرآن، بنا بر شیوه‌های گوناگون انشایی استوار است. سبک‌های دعا شامل استفاده از استفهام، خبر و فعل‌های امر و نهی است و دعا در قرآن شامل دعای انسان برای خودش، دعای انسان برای دیگران و دعای جمع برای جمع است.

۲- «المفاهیم الأخلاقیة المستنبطة من آیات الدعاء فی القرآن الکریم»، اثر دیگری است از حسین هادی بجای، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۹. نویسنده به این نتایج دست یافته که در آیات دعا مفاهیم اخلاقی و اندرزهای بسیاری به کار رفته است و دعا از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند بر بندگانش است.

۳- «آیات دعا در پرتو تفاسیر معاصر» نوشته هادی جاسم الجنابی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۴۰۱ است. نویسنده به این نتایج دست یافته است که شیعه و اهل سنت با شیوه‌ها و جهت‌گیری‌های گوناگون به تفسیر قرآن پرداخته‌اند و پدیده‌ای که سبب تمایز تفسیر شیعه از تفسیر اهل سنت می‌شود، منابع تفسیری است که استفاده کرده‌اند.

۴- «سبک‌شناسی لایه نحوی آیات دعا» نوشته رمضان رضائی، دو فصلنامه مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، شماره دوم، ۱۴۰۱ است. نگارنده به این نتایج دست یافته است که بیشتر جملات دعایی قرآن شامل جملات فعلیه است. در آیات دعا قطعیت بالایی مشاهده می‌شود؛ چراکه در بیشتر آن‌ها قیده‌های تأکید «إِنَّ» و «أَنَّ» و فعل‌های یقینی به کار رفته است.

۵- «گونه‌شناسی دعا به دیگران در ادعیه قرآنی و معصومین(ع) و بررسی نقش آن در تربیت نفس» نوشته عارفه سادات کویتی، دانشگاه اصفهان، ۱۴۰۲ است. وی به این نتایج

رسیده است که دعا چه مادی و چه معنوی در حق دیگران ایثار است. دعا مانعی در برابر انحراف و گناهان است. برخی از دعاها دربرگیرنده دعای خیر و برخی دیگر شامل نفرین است. خداوند در بعضی از آیات دعایی، برخی از گروه‌ها را به سبب طغیان و سرکشی در برابر حق نفرین کرده است. آیات دعا از آیاتی به‌شمار می‌آیند که برجسته‌سازی به شکل فراوانی در آن‌ها نمود یافته است.

باتوجه به تحقیقات صورت گرفته، تاکنون، پژوهشی درباره برجسته‌سازی در آیات دعا انجام نشده است؛ از این رو، این پژوهش جستار جدید و نو به‌شمار می‌آید.

۴. مبانی نظری

۴-۱. برجسته‌سازی

براساس دیدگاه لیچ (زبان‌شناس معروف انگلیسی)، برجسته‌سازی یعنی انحراف و عدول هنرمندانه؛ عدولی که انگیزه هنری داشته باشد. لیچ برجسته‌سازی را به دو شیوه امکان‌پذیر می‌داند. نخست اینکه نسبت به قواعد حاکم بر زبان خودکار انحراف صورت پذیرد و دوم اینکه قواعدی بر قواعد حاکم بر زبان خودکار افزوده شود؛ به این ترتیب، برجسته‌سازی از دو طریق هنجارگریزی و قاعده‌افزایی صورت می‌پذیرد. لیچ هنگام صحبت درباره هنجارگریزی و قاعده‌افزایی، محدودیتی برای این دو در نظر می‌گیرد. او معتقد است که در هنجارگریزی نباید ارتباط مختل شود؛ یعنی اصل رسانگی را مراعات کند و برجسته‌سازی قابل‌تعبیر باشد. لیچ درباره محدودیت توازن به دیدگاه یاکوپسن توجه دارد. براساس دیدگاه یاکوپسن، دو ساخت متوازن باید در بخشی متشابه و در بخشی دیگر متباین باشد؛ بنابراین، برجسته‌سازی عامل شکل‌گیری زبان ادبی به‌شمار می‌آید. این فرایند آنگاه تحقق می‌یابد که یکی از عناصر زبانی برجسته‌گشته و توجه مخاطب را بیشتر از سایر عناصر هم‌جوار، به خود معطوف نماید. شاعر یا نویسنده با کار بست برجسته‌سازی در اثر هنری خود و خارج شدن از قوانین رایج متون ادبی، نه تنها به متن آسیمی وارد نمی‌سازد، بلکه سبب زیباتر شدن آن و تمایز زبان اثر ادبی می‌شود. نخستین بار موکاروفسکی این اصطلاح را مطرح نمود. از دیدگاه وی: «برجسته‌سازی انحراف از هنجارهای زبان معیار است که در زبان شاعرانه به اوج خود می‌رسد؛ به گونه‌ای که فرایند ارتباط را با درنگ همراه می‌سازد.» (موکاروفسکی، ۱۳۷۳: ۹۱)

لیچ «فرایند برجسته‌سازی را به دو دسته «هنجارگریزی» (قاعده‌کاهی، گریز از قواعد حاکم بر زبان عادی) و «قاعده‌افزایی» (افزودن قواعد بر زبان عادی) تقسیم می‌کند. هنجارگریزی

از دیدگاه وی به هشت دسته‌ی واژگانی، نحوی، آوایی، نوشتاری، معنایی، گویشی، سبکی و زمانی تقسیم می‌شود.» (لیچ، ۱۹۶۹: ۴۲)

عواملی که سبب برجسته‌سازی متن ادبی می‌شوند عبارت‌اند از:

۱. گروه موسیقایی: این گروه دربرگیرنده‌ی مجموعه عناصری مانند قافیه، ردیف، وزن، جناس و غیره است که زبان شعری را به سبب آهنگین نمودن و توازن، از زبان عادی تمایز می‌بخشد.

۲. گروه زبانی: این گروه شامل مجموعه عواملی است که سبب تمایز یا رستاخیز واژه‌ها می‌گردد؛ مانند: استعاره، کنایه، مجاز، حس آمیزی، ایجاز و حذف، باستان‌گرایی (در دو گونه‌ی واژگانی و نحوی)، صفت هنری، ترکیب‌های زبانی، آشنایی‌زدایی در حوزه‌ی واژگانی، نحوی و زبانی (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ب/ ۹)؛ بنابراین می‌توان گفت شاعر و نویسنده رویکردهای قاعده‌کاهی و قاعده‌افزایی را با هدف برجسته‌کردن متن ادبی، از طریق کاربرد یکی از عوامل ادبی بالا انجام می‌دهد.

۱-۱-۴. هنجار‌گزینی

هنجار‌گزینی یکی از مهم‌ترین عوامل سبکی در یک متن ادبی به‌شمار می‌آید که شیوه‌ی ویژه‌ی نویسنده را مشخص می‌نماید. هنجار‌گزینی، خروج از هنجارهای پذیرفته‌شده در محور زبان است که در صورت استفاده‌ی مناسب، می‌تواند سبب برجسته‌سازی اثر ادبی گشته و به هنجارهای تکراری زبان که دیگر قادر به انتقال زیبایی نیستند، پایان دهد (سلاجقه، ۱۳۸۴: ۵۰). این اصطلاح در زبان عربی با عنوان‌هایی از قبیل «الإنزیاح»، «التجاوز»، «الإنحراف» و «الإختلال» شناخته شده است (المسدی، ۱۹۸۹: ۱۰). محمد ویس در کتاب «الإنزیاح فی التراث النقدي والبلاغي»، می‌گوید: «هنجار‌گزینی به‌معنای خروج از زبان معیار با هدف آفرینش زبان ادبی زیبا است؛ به عبارتی دیگر، شاعر یا نویسنده واژگان مفرد، ترکیب‌ها و تصاویر زبانی را به‌گونه‌ای به کار گیرد که خارج از نُرم (norm) عادی زبان به‌شمار آید و این خروج از هنجار منجر به تمایز سبک، نوآوری در کلام و جلب توجه مخاطب شود.» (ویس، ۲۰۰۵: ۷)

هنجار‌گزینی بیشترین فاصله را میان دال و مدلول ایجاد می‌کند و بر محورهای هم‌نشینی (ترکیب واژگان) و جان‌نشینی (انتخاب واژگان) عمل می‌کند. این شگرد زبانی گونه‌های مختلفی دارد که یکی از انواع آن خارج شدن از زبان معیار است. مهم‌ترین ویژگی که سبب ایجاد موسیقی و خیال‌انگیزتر شدن متن می‌گردد، چگونگی انتخاب واژگان در کنار یکدیگر است. ساختار و عملکرد متون ادبی با متون عادی و علمی تفاوت بسیاری دارد.

روش انتخاب کلمات و چیدمان آن در کنار یکدیگر، تأثیر بسیاری در تغییر عملکرد و ساختار زبان ایفا می‌نماید.

۱-۱-۱-۴. هنجارگریزی آوایی

هنجارگریزی آوایی عبارت است از انحراف از قواعد آوایی زبان هنجار و به‌کارگیری شکلی که از لحاظ آوایی در زبان هنجار رایج نیست (صفوی، ۱۳۹۴: ۱/۵۴؛ سنگری، ۱۳۸۱: ۴). در این گونه از هنجارگریزی، انحراف از قواعد موسیقایی سخن واکاوی می‌شود. تغییراتی مانند تشدید، تسکین، ادغام، اشباع، حذف، اضافه و... در این بخش مشاهده می‌گردد؛ با این شرط که همه آن‌ها به‌منظور ایجاد جلوه‌های موسیقایی در متن به کار گرفته شود.

۱-۱-۱-۴. ادغام

ادغام یکی از گونه‌های هنجارگریزی آوایی به‌شمار می‌آید. در این رویکرد حرف ساکن در حرف پس از خود، فرو برده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که حرف نخست تلفظ نمی‌شود و حرف دوم به‌جای آن، مشدد بیان می‌شود. این ترفند هنری یکی از تغییراتی است که سبب حفظ موسیقی کلام می‌گردد. در این روش، به‌دلیل تغییراتی که در تلفظ کلمات رخ می‌دهد، افزون بر توازن آوایی به احساسات خواننده نیز نظم بخشیده می‌شود:

﴿وَدَا الثُّنُونُ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (انبیاء / ۸۷).

همان‌گونه که در این آیه مشاهده می‌شود در واژه «إِذْ ذَهَبَ»، ادغام صورت گرفته است. ادغام سبب رعایت توازن و حفظ موسیقی و زیبایی آیه شده است. استفاده از این روش منجر به کامل شدن جنبه‌های آوایی در این آیه شده است. می‌توان گفت منظور از «ذوالثنون» در این آیه، حضرت یونس (ع) است که به‌وسیله ماهی بلعیده شد. ادغام در این آیه، سبب برجستگی کلام، جلوه‌های موسیقایی و توجه بیشتر مخاطب بدان شده است. خداوند در این آیه، تأکید می‌کند که گاهی خشم بیجا حتی پیامبران را گرفتار می‌کند. در واقع، تنها راه رهایی حضرت یونس (ع) خواست و اراده خداوند است. آن حضرت هنگامی که مردم را به یکتاپرستی فرا خواند، تنها دو نفر به وی ایمان آوردند؛ بنابراین خشمگین شد و بی‌اذن خداوند از آن منطقه خارج شده و روانه دریا شد تا با کشتی به مکانی دیگر برود، اما ناگهان کشتی با نهنگی عظیم روبه‌رو شد و حضرت یونس (ع) را بلعید. وی در شکم ماهی به ظلم خویش پی برد و بدان اقرار نمود و خداوند وی را رهایی بخشید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزَىٰ اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ نَا وَأَعْفِرْ لَنَا إِنَّا كَلَّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (تحریم / ۸)

در عبارت «تَوْبَةً نَّصُوحًا»، ادغام صورت گرفته است. کاربست این شگرد هنری در این عبارت، سبب هنجار‌گزینی آوایی در این آیه شده است. این شگرد هنری در اینجا منجر به آشنایی‌زدایی و توازن کلام خداوند شده است. ادغام توجه مخاطب را در این بخش از آیه به مفهوم جلب می‌کند. ادغام سبب تأکید بر مفهوم این آیه یعنی انجام توبه به شیوه توبه ناصوح است. چنین توبه‌ای سبب آمرزش گناهان و ورود به بهشتی می‌شود که نهرها از زیر درختان آن جاری است.

نمونه‌های دیگری از ادغام در ادامه ارائه می‌شود:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتٍ فَرَعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (تحریم / ۱۱)
 ﴿وَأَنْفَقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (منافقون / ۱۰)

۱-۱-۱-۲-۴. حذف

یکی از تحولات آوایی در زبان، کاربست حذف است که تأثیر بسزایی در حفظ جنبه‌های موسیقایی سخن ایجاد می‌کند. این رویکرد با توجه به تأثیر موسیقایی کلام و توازن آوایی آن، استفاده می‌شود:

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ (ابراهیم / ۴۰)

«مِنْ ذُرِّيَّتِي» معطوف به یاء متلکم در فعل «اجْعَلْنِي» است؛ یعنی «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَاجْعَلْ بَعْضَ ذُرِّيَّتِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ» و این جار و مجرور در حقیقت صفت برای مفعول محذوف، یعنی «بَعْضًا مِنْ ذُرِّيَّتِي» و «رَبَّنَا» منادا و «تَقَبَّلْ» معطوف به اجعل است و «دعاء» در اصل «دعائی» بوده و به دلیل رعایت فواصل، حذف شده است (درویش، ۱۹۹۲، ۶: ۲۰۰). در این آیه نیز حذف سبب هنجار‌گزینی آوایی شده است. همان‌گونه که اشاره شده حذف در این آیه، بنا به رعایت فواصل و حفظ موسیقی کلام صورت گرفته است. کاربست این شگرد هنری در این بخش از آیه، توجه مخاطب را به درنگ، تأمل و تفکر در اسرار سخن خداوند دعوت می‌کند.

﴿وَإِخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ﴾

مَنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٥﴾ (اعراف / ۱۵۵)

در این آیه، هنجارگریزی آوایی در قالب حذف، صورت گرفته است. حذف حرف جرّ سبب برجستگی کلام شده است. «اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ» در اصل «اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ» بوده و منصوب به نزع خافض است و در این بخش از آیه، همان گونه که مشاهده می شود، حرف جرّ «مِنْ» حذف شده است. حذف در این آیه، کمک شایانی به موسیقی و اعتلای آوایی آن کرده است. حضرت موسی (ع) هفتاد نفر از قوم خویش را برای وعده گاه برگزید. یاران آن حضرت با مشاهده همه معجزه ها بار دیگر از وی تقاضای دیدار خداوند را داشتند؛ حال آن که هفتاد نفر از یاران حضرت موسی (ع) که رهسپار کوه طور شدند، دچار عذاب الهی شدند؛ چراکه شخصی که معجزه را مشاهده می کند، نباید بهانه جویی کند. دلیل حذف در این آیه این است که برای امور مهم، باید اشخاص خاصی انتخاب شوند نه هر شخص و در هر سطحی که باشد. حرف جرّ «مِنْ» قبل از واژه «قَوْمَهُ» حذف شده است.

﴿وَأَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُّنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف / ۱۵۶)

واژه «حَسَنَةً» پس از عبارت «وَفِي الْآخِرَةِ»، حذف شده است. در این آیه، هنجارگریزی آوایی در قالب حذف اسم مشاهده می شود. در این آیه، بر این مفهوم تأکید شده است که پیامبران الهی همواره به دنبال فراهم کردن سعادت دنیا و آخرت مردم هستند. و دعا برای سعادت دنیوی و اخروی مردم از جامع ترین دعاها به شمار می آید. رحمت خداوند بسیار است و دعای پیامبران براساس قانون خداوند و در چارچوب حکمت، مستجاب خواهد شد. رحمت خداوند و دعای پیامبران شامل حال کسانی خواهد شد که پارسا باشند و زکات را پرداخت کرده و ایمان داشته باشند. حذف واژه «حَسَنَةً»، نه تنها سبب تأمل و درنگ مخاطب در این بخش از آیه شده است، بلکه بر موسیقی آیه نیز تأثیر گذاشته است.

﴿هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينَ بَيْنَ يَدَيْهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ (يونس / ۲۲)

حرف جرّ «فِي» قبل از واژه «الْبَحْرِ» حذف شده است. حذف در این آیه، منجر به هنجارگریزی آوایی شده است. حذف در این بخش از آیه، با توجه به حفظ نظام موسیقی آیه، انجام شده است. این آیه بر این امر تأکید می کند که قوانین حاکم بر طبیعت آفریده

خداوند است. خداوند بلندمرتبه امکان حرکت در خشکی و دریا را به انسان‌ها بخشید و این بیانگر یادآوری نعمت‌ها و بخشش خداوند است. با دقت در این آیه، می‌توان دریافت که خداوند می‌تواند انسان‌ها را به بالاترین درجات ایمان رهنمون سازد؛ به‌گونه‌ای که همهٔ افعال را به خداوند نسبت می‌دهد و درمی‌یابد که حرکت او به ارادهٔ پروردگار است و نه تنها عامل حرکت انسان در دریا و خشکی، بلکه عامل حرکت گیاهان، حیوانات و همه چیز خداوند است.

نمونه‌های دیگری از حذف در قالب جدول ارائه می‌شود:

هدف بلاغی	حذف	شاهد
مضاف حذف شده است. هدف از حذف تعمیم معنا است. پیامبر(ص) به طلب علم بیشتر از خداوند دعوت شده و از قرائت قرآن پیش از اینکه وحی بر وی تمام شود، نهی شده است.	در اصل باید می‌گفت «بقرءه القرآن»	﴿فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ (طه/ ۱۱۴)
فعل امر به دلیل اختصار حذف شده است.	باید می‌گفت «وَاجْعَلْ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً» فعل اجعل حذف شده است.	﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره/ ۱۲۸)
حذف فعل به دلیل عظمت والای روح و مجسم ساختن اخلاص و سوز درونی حضرت ابراهیم(ع)	باید می‌گفت «وَيُعَلِّمُهُمُ الْحِكْمَةَ» فعل يعلمهم حذف شده است.	﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (بقره/ ۱۲۹)
حضور شیطان‌ها بالاتر از است؛ از این رو دلیل حذف متنبه ساختن مخاطب از حضور اشخاص فاسد و تبه‌کار است.	باید می‌گفت «رَبِّي»، ضمیر «یا» حذف شده است. مفعول به یحضرُونَ نیز حذف شده است در اصل باید می‌گفت «أَنْ يَحْضُرُونِي».	﴿وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ﴾ (مؤمنون/ ۹۸)

۱-۲-۴. هنجار‌گزینی نحوی

«هنجار‌گزینی نحوی آن است که شاعر یا نویسنده قواعد هنجار را درهم شکسته

و با کاربرد خاصی از قواعد نحوی، زبان خود را برجسته نماید. شاعر در کلام خویش از طریق جابجایی عوامل تشکیل دهنده جمله از قواعد نحوی هنجار و متداول زبان عدول می‌کند و بدین وسیله، شعر خود را از زبان هنجار متمایز می‌نماید.» (صفوی، ۱۳۹۰: ۲/ ۸۰)

دشوارترین نوع آشنایی زدایی در حوزه نحوی زبان است. امکانات نحوی هر زبان و حوزه اختیار و انتخاب نحوی هر زبان از سویی، محدودترین امکانات و از سوی دیگر، بیشترین حوزه تنوع‌جویی در زبان است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۸۹)

تقدّم و تأخّر یکی از مهم‌ترین شیوه‌های هنجارگریزی نحوی در یک اثر به‌شمار می‌رود. پژوهشگران معاصر عرب نیز در این زمینه، بر این باورند که «تقدّم و تأخّر، جابه‌جایی در واژگان اصلی متن و نوعی از هنجارگریزی می‌باشد که رهایی از چارچوب‌های شناخته‌شده و در نهایت سبب ظرافت متن ادبی می‌گردد.» (مطلوب، ۱۹۸۷: ۴۱).

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ﴾ (مؤمنون / ۹۹)

در عبارت «جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ»، تقدیم مفعول بر فاعل صورت گرفته است. «أحد» مفعول به است و بر فاعل، یعنی «الْمَوْتُ»، مقدم شده است. «ارْجِعُونِ» فعل امر است و مبنی بر حذف «نون» است و «واو» جمع فاعل آن است و «نون»، «نون» و قایه است و «یاء» محذوف مفعول به است (درویش، ۱۹۹۲: ۶/ ۵۴۵). شایان ذکر است که مخاطب در این آیه، واژه «رَبِّ» است و باتوجه به قاعده نحوی، باید فعل «ارْجِعْ» می‌آمد؛ در حالی که به شکل جمع مذکر بیان شده است. دلیل این مسئله بیان عظمت خداوند بلندمرتبه در مقابل مشرکین است که اقدام به انکار زندگی اخروی و قیامت کردند و باور راسخی به زندگانی جاودانه خویش داشتند. خداوند به‌منظور تبیین ناتوانی این گروه در بازگشت به زندگی دنیوی، به زیبایی آفرینی پرداخته و کلام خویش را جابه‌جا نموده است و بدین ترتیب، عظمت خویش را نمایان می‌سازد.

نمونه‌های دیگری از تقدیم و تأخیر در قالب جدول ارائه می‌شود:

﴿فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَا لَهُمْ أَجَادِيثَ وَمَزَقْنَا لَهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ (سبأ / ۱۹) تقدیم خبر بر مبتدا.
﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ﴾ (ممتحنه / ۴) تقدیم خبر کان بر اسم آن.
﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (نساء / ۳۲) تقدیم خبر کان بر اسم آن.
﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ (حمد / ۵) تقدیم مفعول بر فعل.

﴿وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ﴾ (بقره/ ۲۰۰) تقدیم خبر بر مبتدا.
﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا﴾ (نساء/ ۳۲) تقدیم خبر بر مفعول.
﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ﴾ (اعراف/ ۱۴۳) تقدیم مفعول بر فاعل.
﴿وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف/ ۱۵۶) تقدیم جار و مجرور بر فعل.

۱-۱-۳-۴. هنجار‌گزینی معنایی

هنجار‌گزینی معنایی مهم‌ترین عامل آفرینش شعری به‌شمار می‌آید؛ زیرا دال‌های زبانی از مدلول‌های شناخته‌شده‌شان جدا شده و مدلول‌های جدیدی در ذهن مخاطب حضور می‌یابد. اصلی‌ترین عناصر هنجار‌گزینی معنایی تشبیه، استعاره، تشخیص و حس‌آمیزی است که در محورهای جان‌شینی و هم‌نشینی، معنای آن‌ها گسترش یافته و دگرگون می‌شود. (فضیلت، ۱۳۸۵: ۲۹)

۱-۱-۳-۴. استعاره

﴿قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوْلَادِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (مؤمنون/ ۱۱۴)

در عبارت «مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ»، هنجار‌گزینی معنایی به کار رفته است. «مَائِدَةً» در این آیه، استعاره است از نزول روزی یا برکت به درخواست حضرت مسیح(ع) و این بیانگر حجت و نشانه‌ای از سوی خداوند بلندمرتبه برای انسان‌ها است. «مائده» سبب ایجاد فرصتی برای ارتباط انسان با خداوند و یادآوری نام خدا در دل‌ها و زبان‌ها نیز هست. شایان ذکر است که بیشتر دعا‌های به کار رفته در قرآن، با نام «رب» شروع می‌شود، اما در این آیه، همان‌گونه که به‌وضوح مشاهده می‌شود، واژه‌های «اللهم» و «ربنا» آمده است و این ممکن است به سبب اهمیت توسل به اولیای اهل‌ی به‌منظور درخواست حاجت و پیامدهای آن باشد. می‌توان گفت منظور از «وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» نیز این است که مسائل اجتماعی و معنوی بر مسائل اقتصادی مقدم است.

﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (حمد/ ۶)

در این آیه، هنجار‌گزینی معنایی به‌شکل استعاره‌ تصریحیه تبعیه به کار رفته است. «الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» استعاره از دین حق و شریعت اسلام است؛ چراکه هر دوی آن‌ها انسان را به مطلوبش رهنمون می‌سازند و در آن دو هیچ‌گونه انحرافی وجود ندارد. پیام اصلی این آیه این است که انسان‌ها گاهی دچار لغزش و اشتباه می‌شوند؛ بنابراین، باید از خداوند

درخواست کنند، آنان را به دین حق رهنمون سازد. دین حق دینی کامل و جامع است که در برگیرنده توحید، عدل و ولایت است.

﴿وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ (اسراء/ ۲۴)

«جَنَاحَ الذُّلِّ» استعارهٔ مکنیهٔ اصلیه است. «جَنَاحَ» لفظ مستعار، «ذل» مستعارله و طائر مستعارمنه است. «فروتنی» به پرند تشبیه شده و مستعارمنه حذف شده و شیئی از لوازم آن، یعنی جناح، ذکر شده است؛ بنابراین، استعارهٔ مکنیه است (الهاشمی، ۱۳۷۹: ۲۶۸). اثبات «جناح» برای فروتنی از راه تخیل شکل می‌گیرد و منظور از آن این است که با آنان با نرمی و فروتنی رفتار کن. در این آیه، کاربرد استعارهٔ مکنیه سبب هنجارگریزی معنایی شده است. استفاده از این شگرد هنری توجه مخاطب را هنگام قرائت این آیه، به خود معطوف می‌نماید و سبب تأثیر دوچندان کلام الهی بر وی می‌گردد.

﴿يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ﴾ (فاطر/ ۱۳)

در واژه «قِطْمِيرٍ» هنجارگریزی معنایی در قالب استعاره وجود دارد. این واژه استعاره از چیزهای ناچیز و بی‌ارزش است. کاربرد این واژه سبب تفکر و درنگ مخاطب می‌شود؛ چراکه در این آیه، تأکید می‌شود که فرمانروایی و مالکیت همه چیز از آن خداوند است و چیزهایی که انسان‌ها به‌غیراز خدا می‌خوانند، حتی صاحب پوست نازک میان خرما هم نیستند. خداوند بدین ترتیب به انسان‌ها یادآور می‌شود که بت‌های بی‌ارزش هیچ‌گونه قدرت و مالکیتی در اختیار ندارند؛ به‌گونه‌ای که صاحب پوست نازک میان خرما نیز نیستند. ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا﴾ (مریم/ ۴) در این آیه، هنجارگریزی معنایی در قالب کاربرد استعارهٔ مکنیه، نمود یافته است. کاربرد استعارهٔ مکنیه سبب توجه مخاطب به اسرار کلام الهی شده است. آثار پیری به شعله‌ای همانند شده که همهٔ سر انسان را فرا می‌گیرد در عبارت «وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا»، استعارهٔ مکنیه به کار رفته است. مستعارمنه حذف شده و شیئی از لوازم آن، یعنی «اشْتَعَلَ» بیان شده است. وجه مشترک میان پیری و شعله، زود پخش شدن و فرا گرفتن است؛ چراکه شعلهٔ آتش به‌زودی گسترده شده و هرچیزی که گرداگرد آن است را فرا می‌گیرد. در شعله‌های آتش، درخشش خاصی مشاهده می‌شود که از دور نیز توجه انسان را به خود جلب می‌کند.

۱-۲-۳-۴. مجاز

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا نُورَنَا وَآغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾ (تحریم / ۸)

در این آیه در عبارت «تَوْبَةٌ نُّصُوحًا»، اسناد مجازی مشاهده می‌شود؛ چراکه اسناد «نصح» به «توبه» مجاز است و مجاز در اینجا بیانگر مبالغه در توبه است (درویش، ۱۹۹۲: ۱۰/۱۳۹). همان‌گونه که مشاهده می‌شود در عبارت «تَوْبَةٌ نُّصُوحًا»، هنجارگریزی معنایی در قالب مجاز تحقق یافته است. در این آیه، شرط آمرزش گناه، انجام توبه نصح است؛ بدین ترتیب، گناهان انسان زدوده شده و وی به بهشتی که نهرها از زیر درختان آن جاری است، وارد خواهد شد.

۱-۲-۴. قاعده‌افزایی

قاعده‌افزایی (هنجارافزایی) یکی از شیوه‌های برجسته‌سازی در زبان ادبی است. در این فرایند، قواعدی به زبان معیار افزوده می‌شود که منجر به برجستگی در ساختار ادبی و زبانی می‌شود. وزن، سجع، قافیه، ردیف و تکرار مجموعه عناصری هستند که در چارچوب قاعده‌افزایی قرار می‌گیرند و موجب خلق نظم در کلام می‌شوند (صفوی، ۱۳۹۰: ۵۸/۱؛ علوی‌مقدم، ۱۳۷۷: ۶۱). یاکوبسن بر این باور است که «قاعده‌افزایی یعنی توازن در گسترده‌ترین مفهوم خود که این توازن به وسیله تکرار کلامی پدیدار می‌شود» (صفوی، ۱۳۹۰: ۱/۱۶۴). شایان ذکر است که تکرار یکی از عناصر هنری در شعر به‌شمار می‌آید که موجب افزایش موسیقی زبان شعر می‌شود.

۱-۲-۱-۴. تکرار

عامل تکرار از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک‌ساز در آثار ادبی است. تکرار انواع متفاوتی دارد که عبارت‌اند از: تکرار صامت‌ها، مصوت‌ها، حروف، کلمه، عبارت، فعل و جمله که همه به‌گونه‌ای در آهنگ و موسیقی متن ادبی تأثیرگذارند. تکرار بیانگر پافشاری نویسنده بر اهمیت موضوع مورد نظر است.

تکرار از جمله عناصری به‌شمار می‌آید که منجر به رستاخیز واژگان و قاعده‌افزایی و توازن می‌شود (زارعی کفایت و محسنی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۶۳). صورت‌گرایان روسی بر واژه بسیار تأکید می‌کنند. از دیدگاه این گروه، واژه وسیله‌ای برای بیان معناها و مفاهیم نویسنده است. متن از واژگان به وجود می‌آید و زبان از هم‌نشینی واژگان و نظام معنایی و آوایی پدیدار می‌گردد. آهنگ درونی کلمات و هماهنگی آوایی میان آن‌ها، زمینه را برای رستاخیز واژه‌ها فراهم می‌سازد. (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۶۳)

۱-۱-۱-۲-۴. تکرار در سطح واج (توازن واجی)

یکی از روش‌های تکرار کلامی، تکرار در سطح واج‌ها است که سبب توازن می‌شود؛ بنابراین، گونه‌ای از قاعده‌افزایی به‌شمار می‌آید. برای تبیین این رویکرد، می‌توان به آیات زیر رجوع کرد:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ (بقره / ۱۲۶)

در این آیه، قاعده‌افزایی در قالب تکرار حروف «میم» و «الف» سبب برجستگی کلام شده است. حرف «میم» در این بخش از آیه ﴿مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾، تکرار شده است. این حرف بیانگر «امتداد و گستردن، هضم، محبت، انفتاح، جمع کردن و بستن است» (عباس، ۱۹۸۹: ۷۱). تکرار این حرف بیانگر امتداد و گستردن روزی و انواع برکات برای مؤمنان است. حرف «الف» نیز در بیشتر واژه‌ها به کار رفته است. این حرف بیانگر «بروز و ظهور، بُعد، امتداد و شدت است» (همان: ۹۳). این مصوت دارای ویژگی اوج، نهایت و غایت است که با محتوای آیه تناسب دارد. در این آیه تکرار حرف «الف» امتداد و شدت عذابی الهی که شامل حال کافران می‌شود را بیان می‌کند. تکرار در این آیه، سبب افزایش بار موسیقایی شده است.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾ (مائده / ۲۵)

در این آیه در واژه‌های «قَالَ»، «فَافْرِقْ»، «الْقَوْمِ»، «الْفَاسِقِينَ»، حرف قاف تکرار شده است؛ همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، این صامت نشانه صوت، شدت، صلابت و استواری و خشکی است و در واژه‌های «نَفْسِي»، «فَافْرِقْ» و «الْفَاسِقِينَ»، حرف «فاء» تکرار شده است. صامت فاء نیز بیانگر «گسترده‌گی، تباعد، قطع و فصل و حفر» است. (عباس، ۱۳۱: ۱۹۸۹). حرف «فاء» بر جدایی و تباعد دلالت دارد و در این آیه، میان لفظ و معنا هماهنگی و انسجام کاملی وجود دارد. شایان ذکر است که دلیل درخواست ایجاد فاصله و جدایی حضرت موسی (ع) بدان سبب بود که آتش خشم الهی یاران وی را فرا نگیرد و تنها دشمنان درگیر عذاب شوند. تکرار حروف «فاء» و «قاف» سبب طنین موسیقایی کلام شده است.

﴿وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (انبیاء / ۸۷).

در این آیه، در واژه‌های «ذَا النُّونِ» و «إِذْ ذَهَبَ»، حرف «ذال» تکرار شده است. حرف «ذال» بیانگر «تندی، قطع، شدت، خشونت، تحرک سریع، انتشار، ویژگی‌های مردانه و اضطراب اندک است» (عباس، ۱۹۸۹: ۶۴). همچنین در واژه‌های «ظَنَّ»، «الظُّلُمَاتِ» و «الظَّالِمِينَ»، حرف «ظاء» تکرار شده است. حرف «ظاء» بیانگر ظهور، شدت، زیبایی، احتکاک، قساوت

و فخامت است» (عباس، ۱۹۸۹: ۱۲۱). تکرار صامت «ذال» و «ظاء» در این آیه، سبب برجستگی کلام شده است. تکرار این حروف در اینجا، بیانگر خشونت و فخامت است. بین لفظ و معنا پیوند و انسجام کامل وجود دارد. تکرار سبب افزایش جلوه‌های زیبایی شناسیک و موسیقایی شده است.

﴿فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ (نمل / ۱۹)

در عبارات ﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا﴾، «عین» تکرار شده است. واج آرای صامت «عین» استفاده شده است. «این صامت بیانگر احاطه، علو، عیب‌های روحی و جسمی، رقت، احاطه، احساسات انسانی و صوت است» (عباس، ۱۹۸۹: ۲۱۱). در این آیه، تکرار افزون بر ایجاد توازن و طنین که سبب برجستگی کلام شده است، از عوامل اصلی برای انتقال مفاهیم این آیه است. تکرار صامت «عین» در این آیه، موجب تأمل و درنگ در خواننده می‌شود. تکرار این حرف در اینجا، بیانگر علو درجات حضرت سلیمان(ع) و نعمت‌های فراوانی است که خداوند به وی ارزانی داشت؛ چراکه آن حضرت علاوه بر اینکه از مقام پیامبری برخوردار بود، از توانایی فهمیدن سخنان حیوانات نیز بهره‌مند بود.

﴿رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا﴾ (احزاب / ۶۸)

در واژه‌های «ضِعْفَيْنِ»، «الْعَذَابِ»، «لَعْنًا» و فعل امر «وَالْعَنْهُمْ»، حرف عین تکرار شده است. همان‌گونه که پیش‌ازین اشاره شد، یکی از ویژگی‌های این حرف این است که بیانگر احاطه است. در این آیه، کرار این حرف بیانگر احاطه و چیرگی عذاب الهی است که شامل حال کسانی شد که اقدام به آزار حضرت موسی(ع) نمودند. می‌توان گفت منظور از لعنت بزرگ همان لعنتی است که در آیه ۱۶۱ سوره بقره بدان اشاره شده است؛ چراکه اشخاص کافری که با کفر از دنیا رفتند، نفرین خدا، فرشتگان و مردم شامل حال آنان خواهد شد. کافرانی که خود اسیر گمراهی شدند و دیگران را نیز گمراه کردند، دچار عذابی مضاعف خواهند شد؛ از این رو، حرف «عین» در اینجا به‌درستی به کار گرفته شده است. در این آیه، تکرار «عین» شدت و نهایت عذاب الهی که کافران دچار آن خواهند شد را در ذهن مخاطب مجسم می‌کند.

﴿لَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ (قصص / ۲۲)

برجستگی کلام در تکرار حرف «سین» مشاهده می‌شود. تکرار این صامت سبب قاعده‌افزایی و موسیقی دوچندان شده است. در واژه‌های «عَسَىٰ»، «سَوَاءَ» و «السَّبِيلِ»، حرف سین تکرار شده است. همان‌گونه که پیش‌ازین اشاره شد، این صامت نشانه امتداد، استقرار، صوت، خفا، انتشار، استقرار، نرمی، نجوای پنهان، روانی و قطع شدن است. در اینجا

کار بست حرف سین بیانگر نجوای پنهان و همراه با امیدواری حضرت موسی (ع) با خداوند است و هنگامی که آن حضرت به طرفِ مدین حرکت کرد، صورت گرفت؛ چراکه در آن لحظه، گفت: «امید است که پروردگارم مرا به راه راست هدایت فرماید.»

نمونه‌های دیگری از توازن واجی در قالب جدول ارائه می‌شود:

تکرار صامت «راء»	﴿وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ (مؤمنون/ ۱۱۸)
تکرار صامت «لام»	﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا﴾ (تحریم/ ۲۸)
تکرار صامت «باء» و «نون»	﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ﴾ (آل عمران/ ۱۹۳)
تکرار صامت «قاف»	﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (آل عمران/ ۱۹۱)
تکرار صامت «کاف» و «ذال»	﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ﴾ (بقره/ ۲۰۰)
تکرار صامت «صاد»	﴿وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (اعراف/ ۴۷)
تکرار صامت «ضاد» و «راء»	﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (يونس/ ۱۲)
تکرار صامت «شین» و «کاف»	﴿وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِنْ دُونِكَ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمْ بِكُلِّبُونٍ﴾ (نحل/ ۸۶)

۱-۲-۲-۴. تکرار در سطح واژه

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره/ ۲۸۶)

تکرار حرف «لام» سبب قاعده‌افزایی شده است. حرف «لام» بر «مالکیت، التزام، نرمی، چسبیدن، خوردن، تماسک و کثرت» (عباس، ۱۹۸۹: ۷۸) دلالت دارد. حرف سین نیز تکرار

شده است. «این صامت نشانه امتداد، استقرار، صوت، خفا، انتشار، استقرار، نرمی، نجوای پنهان، روانی و قطع شدن است» (همان: ۱۰۹). «رَبَّنَا» سه مرتبه تکرار شده است. ضمیر «نا» در واژه‌های «رَبَّنَا»، «تَوَاحِدُنَا»، «نَسِينَا»، «أَخْطَانَا»، «عَلَيْنَا»، «قَبْلَنَا»، «تَحْمَلُنَا»، «لَنَا»، «عَنَّا»، «مَوْلَانَا» و «أَنْصُرْنَا»، تکرار شده است. تکرار در آیه فوق، موجب توازن در کلام شده و با مضمون آیه نیز هماهنگ است. در این آیه، فعل‌های دعایی متعددی مانند «لَا تُؤَاخِذْنَا»، «لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا»، «لَا تُحْمِلْنَا»، «وَأَعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا»، «وَأَرْحَمْنَا»، «فَأَنْصُرْنَا»، به کار رفته است. تکرار در این آیه، بیانگر اهمیت موضوع است. در این آیه، موضوع کلیدی مسئله جبر و اختیار است و اینکه انسان مسئول اعمال خویش است و اعمالی که در اثر فراموش کاری و سهل انگاری مرتکب می‌شود، قابل مجازات است. تکرار در این آیه، سبب قاعده‌افزایی و افزایش موسیقی شده است.

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ﴾ (بقره / ۲۰۰)

در این آیه، واژه ذکر به شکل‌های مختلف «ادْكُرُوا»، «كَذِكْرِكُمْ» و «ذِكْرًا» به کار رفته است. شایان ذکر است که ضمیر «كُمْ» نیز سه مرتبه تکرار شده است. تکرار ضمیر «كُمْ» و کاربست واژه ذکر به شکل‌های متفاوت، سبب قاعده‌افزایی شده است. این واژه در مفهوم آیه، نقش محوری ایفا می‌کند؛ چراکه مقصود از آن این است که پس از انجام مراسم حج، مردم خداوند را ذکر گویند؛ همان‌طور که نیاکان و پدران خویش را ذکر می‌کردند؛ در واقع، خداوند بدین وسیله یادآور می‌شود که اگر نیاکان و پدران این اشخاص به سبب برخی از موهبت‌ها، شایان یادآوری هستند، چرا این گروه به سراغ خداوند که مالک عالم هستی است نمی‌روند. در این آیه، کاربست ذکر به گونه‌های متفاوت، سبب توجه و تعمق بیشتر مخاطب می‌گردد.

﴿وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (بقره / ۲۰۱)

در این آیه، قاعده‌افزایی در قالب تکرار واژه «حَسَنَةً»، به کار رفته است. واژه «حَسَنَةً» در این آیه، موجب برجستگی کلام شده است. این واژه در مفهوم آیه، تأثیر بسزایی دارد. بین دنیا و آخرت تفاوتی وجود ندارد، مشروط بر اینکه انسان در دنیا و آخرت به دنبال نیکی باشد. منظور از «حَسَنَةً» در دنیا، مال و روزی و منظور از آن در آخرت، خشنودی خداوند است. کسی که نیکی در دنیا و آخرت نصیب وی گردد، از عذاب آتش در امان خواهد ماند.

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ أَرْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُولَٰئِمُ تُوْمُنُ قَالِ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا وَاعْلَمَنَّ أَنَّهُ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (بقره / ۲۶۰)

در این آیه، تکرار فعل‌های امر متعددی مانند «أَرْنِي»، «خُذْ»، «صُرْهَنَّ»، «اجْعَلْ»، «ادْعُهُنَّ» و «اعْلَمْ»، مشاهده می‌شود. تکرار فعل امر در این آیه، بیانگر ربوبیت، توانایی و حکیم بودن خداوند است. کشف و شهود از اموری است که به افرادی اختصاص می‌یابد که مراتبی از ایمان، علم و استدلال را سپری کرده‌اند. اینکه حضرت ابراهیم (ع) از خداوند در خواست کرد زنده شدن مردگان را به وی نشان دهد، بیانگر این است که چنین درخواستی، تنها برای آن حضرت قابل پاسخگویی است نه برای هرکس دیگر. حضرت ابراهیم (ع) مقام ولایت دارد؛ به همین دلیل، فعل امر «ادْعُهُنَّ» به کار رفته است. تکرار فعل‌های امر در این آیه، سبب قاعده‌افزایی شده است.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾
(اعراف / ۱۸۹)

در این آیه، قاعده‌افزایی در قالب تکرار ضمیر، نمود یافته است. ضمیر «ها» در واژه‌های «مِنْهَا»، «تَغَشَّاهَا»، «زَوْجَهَا» و «إِلَيْهَا» تکرار شده است. تکرار ضمیر «ها» بیانگر این است که ازدواج موجب آرامش روحی انسان می‌شود. زندگی بر پایه الفت و انس است. آمیزش زن و مرد باید به شکل پنهانی صورت گیرد. مراحل رشد جنین تدریجی است. انسان پس از اینکه بارش سنگین شود، به مسئولیت خویش پی خواهد برد. در این آیه، افزون بر تکرار، از تشبیه نیز استفاده شده است. مشکلات سبب شکل‌گیری حالت روحی و معنوی در انسان و نزدیکی او به خداوند می‌شود؛ همان‌گونه که زن باردار نیز به سبب اینکه در نگرانی به سر می‌برد، هرگونه پند و اندرز و راهنمایی را می‌پذیرد.

نتیجه‌گیری

۱- هنجارگریزی و آشنایی زدایی، دو اصل مهم در نظریه فرمالیسم، از مباحث چالش‌برانگیز در قرآن است. نسبی بودن آشنایی زدایی مبنی بر این نیست که با مرور زمان از درجه بلاغت و زیبایی‌شناسی قرآن کاسته می‌شود، بلکه ادیب، با پژوهش و بررسی بیش‌ازپیش، باید به زیبایی هرچه بیشتر کلام الهی پی ببرد. معیار هنجارگریزی، زبان متعارف مردم جامعه است و زبان قرآن با پیروی از زبان عقلایی حاکم بر جامعه خود، برگرفته از همان زبان معیار با بیانی متفاوت است.

۲- از نتایج این جستار آن است که در آیات دعا، هنجارگریزی و قاعده‌افزایی وجود دارد. در این آیات، هنجارگریزی آوایی، نحوی و معنایی به کار رفته است. عواملی که سبب هنجارگریزی آوایی در این آیات، شده است، شامل ادغام و حذف است. هنجارگریزی آوایی سبب آشنایی زدایی و توازن آوایی موجود در کلام الهی شده است.

۳- هنجارگریزی نحوی در قالب تقدیم و تأخیر، نمود یافته است. تقدیم و تأخیر، تکرار

و حذف در این آیات، بنا بر اقتضای حال و مفاهیم این آیات انجام شده است. حذف‌های صورت‌گرفته در آیات دعا، بنا بر متنبه ساختن مخاطب، تعمیم، اختصار و تعظیم صورت گرفته است.

۴- هنجار‌گزینی معنایی در چارچوب استعاره، به کار رفته است. کاربست استعاره سبب توجه مخاطب به اسرار کلام الهی شده است. در آیات دعا، قاعده‌افزایی به شکل تکرار مشاهده می‌شود. تکرار سبب افزایش جلوه‌های زیبایی‌شناسیک و موسیقایی شده است. در این گونه از آیات، میان معنا و لفظ هماهنگی و انسجام کاملی وجود دارد و این هماهنگی نقش بسزایی در دریافت مضامین و پیام‌های موجود در آیات دارد. برجسته‌سازی در آیات دعا، سبب انحراف از اصل شده و این خروج نه‌تنها در معنای آیات خللی وارد نکرده، بلکه سبب زیبایی بیشتر آن‌ها شده است.



منابع

* القرآن الکریم..

- حسونة، محمد اسماعیل (۲۰۰۷). "صناعة الأحياء في شعر هاني حازم الصلوي، ديوان "على ضفة في خيال المغنى" نموذجاً"، مجلة الجامعة الإسلامية، المجلد ۱۵، العدد الأول، صص ۱۲۹-۱۴۴.
- درویش، محی الدین (۱۹۹۲). «اعراب القرآن الکریم وبیانه»، الطبعة الثالثة. بیروت: دار الیمامة.
- رضائی، رمضان (۱۴۰۱). "سبک شناسی لایه نحوی آیات دعا"، دو فصلنامه مطالعات سبک شناختی قرآن کریم، شماره دوم، صص ۳۵-۵۹.
- زارعی، کفایت، حشمت الله و ناصر (۱۳۹۲). "صورت‌گرایی و آشنایی‌زدایی در شعر ابوالقاسم شاتبی"، دو فصلنامه نقد ادب معاصر عربی، شماره ۵، صص ۱۵۳-۱۷۸.
- سلاجقه، پروین (۱۳۸۴). «نقد شعر معاصر، امیرزاده کاشی‌ها (شاملو)». تهران: نشر مرکز.
- سنگر، محمدرضا (۱۳۸۱). "هنجارگریزی و فراهنجاری در شعر"، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، سال شانزدهم، شماره ۴، صص ۴-۹.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). «ستاخیز کلمات»، چاپ سوم. تهران: سخن.
- (۱۳۹۱). «موسیقی شعر»، چاپ سیزدهم. تهران: آگاه.
- صفوی، کورش (۱۳۹۰). «از زبان شناسی به ادبیات»، جلد ۱ نظم، چاپ پنجم. تهران: انتشارات سوره مهر.
- عباس، حسن (۱۹۸۹). «خصائص الحروف العربية ومعانيها». دمشق: منشورات اتحاد کتاب العرب.
- علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷). «نظریه‌های نقد ادبی معاصر»، تهران: سمت.
- قویمی، مهوش (۱۳۸۳). «آواها و القا (رهیافتی به شعر اخوان ثالث)». تهران: هرمس.
- کریمی فیروزجایی، علی و بلقیس روشن و آزاده ملک نیازی (۱۳۹۶). "تحلیل شیوه‌های تولید نشانه‌های دیداری در شعر معاصر"، بهار ادب، سال دهم، شماره ۳، صص ۲۳۳-۲۴۹.
- محبتی، مهدی (۱۳۸۰). «بدیع نو». تهران: سخن.
- محی الدین مینو، محمد (۲۰۱۴). «معجم مصطلحات العروض». الشارقة: دائرة الثقافة والإعلام.
- المسدي، عبد السلام (۱۹۸۹). «الأسلوبية والأسلوب». ليبيا: الدار العربية للكتاب.
- موکاروفسکی، یان (۱۳۷۳). «زبان معیار و زبان شعر، ترجمه احمد اخوت و محمود نیک‌بخت». اصفهان: مشعل.
- میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳). «واژه‌نامه هنر شاعری». تهران: کتاب مهناز.
- الهاشمی، احمد (۱۳۷۹). «جواهر البلاغة». طهران: مؤسسة الصادق للطباعة والنشر.
- ویس، احمد محمد (۲۰۰۵). «الإنزياح في التراث النقدي والبلاغي». دمشق: اتحاد كتاب العرب.

Bibliography

* Holy Quran

- Abbas, H. (1989). The Features of the Letters and their meanings, Damasscus: publishers of the union of Arabs writers. [In Arabic].
- Alavi Moghaddam, M. (1996). Theories of contemporary Literary criticism, Tehran: Samt. [In Persian].
- Al-Hashemi, A. (2000). The jewel of Rhetoric, Tehran: Sadegh Publishing House. [In Persian].
- Al-Masadi, A. (1993). Sylictics and Style, Libya: Al-Dar Al-Arabia Al-Arabia lelketab. [In Arabic].
- Darvish, M, (1992), Ruels if the Holy Quran And its description, Beirut: Dare A-l Yamameh. [In Arabic].
- Ghavimi, M, (2004), Music and induction (An approach to the Akhavan sales), Tehran: Hermes. [In Persian].
- Hassonat, M. E. (2007). Alahyaz create for Example in Hani Hazem Al-Salva's poem, Islamic University Magazine, 15 (1), 129-144. [In Arabic].
- Karimi Firouzjaie, A and Roushan B, and Malek neiazi A. (2016). Analysis of the methods of producing visual signs contemporary poetry, The Bahar of Literature, No.3, 233-249. [In Persian].
- Leech, G.N (1996). A Linguistic Guide to English Poetry, New York: Longman.
- Mir Sadeghi, M. (1994). Dictionary of poetic art, Tehran: Mahnaz book. [In Persian].
- Mohabbati, M. (1991). New Innovation, Tehran: Sokhan. [In Persian].
- Muhyi Ad-Din Mino, M. (2014) Dictionary of Prosodic idoms, Sharjah: Department of Culture and Advertising. [In Arabic].
- Mukarovsky, J. (1994). Standard Language and Poetic Language, traslated by Ahmad Okhovvat and Mahmood Nikbakht, Esfahan: Mashal. [In Persian].
- Safavi, K. (2011). From Linguitics to Literature, 1vol, prose, 5th edition, Tehran: Mehr Surah Publication. [In Persian].
- Salajeghe, P. (2005), Criticism of Contemporary Poetry, the prince of tile (Shamloo), Tehran, Markaz. [In Persian].
- Sangari, M, R. (2003), Deviation and extra regularity in poetry, Education growth of Persian Language and Literature, 16(64), 4-9. [In Persian].
- Shafiei Kadkani, (2012). music of poetry, 13th edition, Tehran: Agah. [In Persian].
- Shafiei Kadkani, M. R. (2013). Resurraton of words, 3th edition, Tehran: Sokhan. [In Persian].
- Veis, A, M, (2005). Diviation in critical and rhetorical heritage, Damascus: Arab Writers Union. [In Arabic].
- Zaeri, K, H, N, (2013), Formalism and Defamiliarization in the poetry of Abo-l ghasem Shabbi, Two quarterly reviews of contemporary Arabic Literature. [In Persian].